

## مشکله فرهنگ در تاریخ نگاری یعقوبی

حسن حضرتی(الف)

فصلنامه تاریخ اسلام - شماره 6 - تابستان 80

میراث مکتوب مسلمانان در عرصه تاریخ نگاری، گنجینه گران سنگی است که بسیاری از زوایای پنهان آن همچنان در محاق باقی مانده است. بدون تردید یکی از مصادیق عینی برای این ادعا می‌تواند مورخ توانا و صاحب سبک، ابن واضح یعقوبی باشد که آن چنان که بایسته و شایسته اوست، مورد توجه قرار نگرفته است. او به عنوان یک تاریخ نگار مسلمان نه تنها صرفاً تابع سنت پیشینیان خود نبوده است، بلکه در جای خود، در سپهر فرهنگ اسلامی تا مقام یک مورخ مبدع نیز اوج گرفته است. به کارگیری شیوه‌های نه چندان رایج و اما علمی در قلمرو تاریخ نگاری، یعقوبی را در سطح تاریخ نویسان عالیقدری همانند مسعودی و ابن مسکویه قرار داده است. در نوشتار حاضر بعد از بحث مقدماتی درباره زیست نامه و مذهب یعقوبی، مختصات تاریخ نگاری یعقوبی و نوآوری‌های روشی او در این عرصه و توجه ویژه او به فرهنگ‌های پیرامونی مورد تأمل قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: یعقوبی، تاریخ نگاری، فرهنگ.

## 1- زیست نامه

## 1.1 نیا و نسب:

نیای ((احمدبن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر بن وهب بن واضح الکاتب العباسی)) ایرانی و از مردم اصفهان بوده است. ثعالبی، احمدبن واضح را در شمار شعرای اصفهان به حساب آورده و اجدادش را اصفهانی دانسته است. تعلق خاطر یعقوبی به تشیع و ارادت او به ائمه اطهار(ع) و علویان و اشتهار خاندان او به عنوان موالی بنی هاشم، می‌تواند موید ایرانی الاصل بودن او هم باشد. به احتمال قوی نیای یعقوبی از زمان واضح و یا پدرش در سبک موالی بنی عباس در آمده اند؛ یعنی درست زمانی که دعوات بنی عباس در خراسان و مناطق مختلف ایران، نفوذ و اقتداری در دل مریدان آل علی و ارادتمندان الرضا من آل محمد پیدا کرده بودند. اما این که خاندان ((واضح)) کی و چگونه از اصفهان به عراق کوچیده اند، نه خود یعقوبی اطلاعاتی در این باره ارائه داده و نه منابع و مآخذ و تراجم احوال، همین قدر مسلم است که این خاندان هم زمان با فراهم آمدن زمینه‌های برافتادن دولت بنی امیه و گسترش دعوت نقبای بنی عباس، از موالی بنی هاشم بوده اند و هنگام پیروزی عباسیان بر امویان، چون ((واضح)) مولای ابی جعفر منصور (دوانیقی) و صالح بن منصور بوده است، در دستگاه ابی جعفر خلیفه عباسی نفوذ قابل ملاحظه‌ای داشته و از موالی بسیار مورد اعتماد و نزدیک او به شمار می‌رفته است، تا آن جا که در زمان خلافت وی بسیاری از امور به واضح واگذار شد. یعقوبی خود در ((البلدان)) و کتاب ((تاریخ)) عمومی خویش به امارت و نفوذ اجدادش در دستگاه خلافت منصور اشاراتی دارد. (1) به واسطه همین نفوذ و وابستگی به دستگاه خلافت منصور، و بعدها مهدی و هادی، بود که خاندان یعقوبی به ((عباسی)) نیز اشتهار یافتند؛ به ویژه در جریان بنای بغداد و تأسیس محلات و کوهها و ربض‌های آن، ((واضح)) از دست اندرکاران و ناظران امور بوده و در پیشبرد کارها نقش اساسی داشته است.

## 1.2 تولد، تربیت و زندگی

از تاریخ دقیق تولد یعقوبی و چگونگی نشو و نما و اخبار و اطلاعات چندان بی‌دست نیامده است. خود او نیز در این باره به جز اشاراتی ایهام‌آمیز، سکوت اختیار کرده است.

با توجه به قرائن موجود، به نظر می‌رسد تولد و نشو و نما او در بغداد بوده است. یادآوری پاره‌ای اشارات در باب امارت اجدادش در بغداد، علاقه خاص وی به این شهر به عنوان ((ناف دنیا)) و بهترین و پاک‌ترین و نیکوترین و معتدل‌ترین شهرهای جهان و نیز بیان شرح و توصیف این شهر در آغاز کتاب ((البلدان)) و برخی آثار و نام‌هایی که در زمان خود از نیاکان بر روی بناها و آثار شهر باقی مانده است، همه نشان دهنده علاقه وطنی وی به بغداد بوده است؛ به ویژه آن که شرح و توصیف آن شهر و جزئیات آن را به تفصیل بر گزار کرده است. (2) این وابستگی خاطر، به وضوح در عبارات زیر نمایان است:

((... تنها بدان جهت ابتدا به عراق کردم که عراق وسط دنیا و ناف زمین است و بغداد را بدان جهت آغاز کردم که در وسط عراق واقع است... بغداد علاوه بر آن چه که گفتیم، شهر بنی هاشم و دارالملک ایشان و مرکز سلطنت آنان است و هیچ کس پیش از ایشان آن را آغاز نکرده و پادشاهانی جز ایشان در آن سکونت نگزیده اند. دیگر بدان جهت که نیاکان من آن جا اقامت داشته اند و یکی از ایشان آن جا فرمانروا بوده است.)) (3)

درباره تاریخ وفات یعقوبی نیز روایات متفاوت و گاه متناقض گزارش شده است. محمد ابراهیم آیتی، در مقدمه ((البلدان))، ویلیام مل ورد در مقدمه کتاب ((مشاکله الناس لزمانهم)) و نیز محسن امین در ((اعیان شیعه)) بر اختلافات فاحش منابع در این باره اشاره کرده اند، که ضرورتی به ذکر آن‌ها در این جا نیست. تنها به موردی که یعقوبی در تاریخ آل طولون بیان کرده و نشان دهنده حیات و فعالیت علمی و فکری وی تا سال 292ه' است اشاره می‌کنیم. در ملحقات کتاب ((البلدان))

در این باب سند قاطعی است که نشان می دهد مرگ یعقوبی می بایست حداقل در سال 292هـ و یا مدتی پس از آن روی داده باشد:

((و محمد (احمد) بن ابی یعقوب کاتب خبر داد و گفت: چون شب عید فطر سال دویست و نود و دو پیش آمد، وضع خوبی را که خاندان ابن طولون در چنین شبی داشتند و آن همه اسلحه و علم های رنگارنگ بزرگ و پرچم ها و جامه های فاخر و اسبان بسیار و آواز بوق ها و طبل ها را یادآور شدم و بدان جهت اندیشه ای مرا فرا گرفت و در همان شب خوابیدم و هانگی را شنیدم که می گوید:

ذهب الملك و التملك و الز  
ینه لمامضى بن طولون

پادشاهی و جهانداری و آراستگی با رفتن خاندان طولون از میان رفت.)) (4)  
سند مذکور و نیز توضیح یعقوبی در باب اخلاق و رفتار معتضد در کتاب ((مشاکله الناس لز مانهم)) که در مورد اخلاق شاهان و خلفای هر عصر و تقلید مردم زمانه از آنان می باشد، نشان می دهد که او تا عصر خلافت المعتضد، خلیفه عباسی، در قید حیات بوده است. (5)

### 1.3- مذهب

از چگونگی اسلام آوردن خاندان واضح - نیاکان یعقوبی - گزارش و اطلاعات دقیقی به دست نرسیده است. تنها این نکته مسلم است که آن ها از موالی ایرانی الاصل بوده اند. ارادت و علائق ((واضح)) به خاندان علمی (ع) و مسأله نجات دادن ادریس بن عبدالله و کشته شدن خود واضح به دست هادی خلیفه عباسی، نسبت رافضی بستن (6) به او از سوی مورخانی چون طبری، و روایت ابن اثیر درباره شیعی گری او (7) همگی می تواند دلالت بر این امر نماید که خاندان واضح و یا حداقل خود وی از شیعیان علمی (ع) بوده و جان خود را نیز در سر پیروی از این مرام از دست داده است.

یعقوبی نیز مانند جدش از ارادتمندان آل علی بوده است و گرایش او به تشیع (ب) در آثارش نمایان است. پیگیری مداوم و مستمر اخبار علویان، قیام ها و خیزش های شیعی، ذکر اخبار ائمه معصومین (ع) و نقل احادیث متعدد از آنان، بیان عناوین و القاب احترام آمیز نسبت به آن ها، ذکر فضایل و خصلت های پسندیده آن بزرگواران و آرا نه گزارش های مفصل در باره حضرت علمی (ع) و ذکر احادیثی از پیامبر در مدح آن حضرت، بیان حدیث غدیر خم و برخی احادیث معروف در باب اهل بیت و توصیفاتى که از آن ها دارد، به خوبی بیان کننده این مدعا است؛ به ویژه آن که اخبار دوره خلافت حضرت علمی (ع) را به صورت مفصل انعکاس داده است. (8)

این شیوه به کار رفته از طرف یعقوبی نشان دهنده علائق شیعی وی و ارادتش به خاندان علمی بن ابی طالب است. در زمانی که هیچ کدام از مورخین در ذکر تاریخ خاندان علمی (ع) در عصر پرخوف و وحشت امویان و عباسیان که پیروان آن حضرت را ((خارجی)) و ((رافضی)) می نامیدند، سخنی بر زبان نیاوردند و حتی کسانی چون طبری با تمام تلاششان برای رعایت عدالت و انصاف در تاریخ، شیعیان را ((رافضی خبیث)) می نامیدند، یعقوبی بی محابا تاریخ آل علمی و حرکت های شیعی را به طور مبسوط دنبال می کند و با این حال تمام سعی خود را به کار می برد تا از دایره اعتدال خارج نشود، تا آن جا که حتی ماجرای قتل پدرش واضح که به دست هادی اتفاق افتاده بود را بیان نمی کند تا مبادا از سوی مخالفین اش به هواداری متهم شود.

### 1.4- دانش، روش و سفرهای تحقیقاتی

یعقوبی نخستین دانشمند و مورخ مسلمان است که با در پیش گرفتن روش معاینه و مشاهده، به تألیف آثار جغرافیایی و تاریخی اقدام کرده و در صدد تلفیق این دو دانش برآمده و کوشید تا میان زمان و مکان پیوند عمیقی به لحاظ روش شناسی برقرار کند. او به سیر و سیاحت می پرداخت و اختصاصات اقالیم و شهرها و مناطق مختلف را مورد مشاهده و معاینه قرار می داد و به طور دقیق، توصیفات جالب توجهی از آن مناطق ارائه می کرد. وی به گفته خودش از آغاز دوران نوجوانی مشتاق بوده است تا شهرها، مناطق و اقالیم مختلف را از نزدیک ببیند و فاصله راه ها و بلاد و ممالک متعدد را ببیند. به سبب این علاقه بود که هنوز چند صباحی از عمرش نمی گذشت که قدم در راه سیر و سفر نهاد و به سیاحت در بلاد اسلامی و غیر اسلامی پرداخت و به ویژه از تمام ممالک و شهرهای مهم اسلامی دیدن کرد. مدت ها در ارمنستان و تغلیس اقامت گزید. روزگاری را در خراسان و هند به سر برد و در اواخر عمرش نیز در دیار مصر و مغرب متوطن گشت، به طوری که برخی او را ((مصری)) نامیدند.

در همین سفرهای تحقیقاتی و علمی بود که یعقوبی برای به دست آوردن اخبار تاریخی درباره سوابق، محصولات و امرا و فاتحان شهرها، به روش های دیگری برای کسب خبر و نقد آن روی آورد که به زبان علمی امروز از آن به عنوان ((تحقیق میدانی)) یاد می شود. روش مصاحبه و گفت و گوئی حضوری، اطلاعات بسیار ارزشمندی را در اختیار یعقوبی قرار می داد و به همین دلیل هرگاه با کسی برخوردی داشت، از وطن و شهرش می پرسید و این که محصول عمده آن منطقه چیست؟ ساکنانش چه کسانی هستند؟ خوراک، پوشاک و عقاید و مرام و مسلک آن ها چه بوده است؟ در همین ارتباط در مقدمه ((البلدان)) می نویسد:

((... احمد بن ابی یعقوب گوید من در عنفوان جوانی و هنگام سال گشت سن و تندی ذهنم، به دانستن اخبار بلاد و مسافت میان هر سرزمین تا سرزمین دیگر علاقه مند بودم و در پیمان رنج بردم؛ چه در آغاز جوانی پا به سفر نهادم و سفرهای من پیوسته گشت و دور ماندم (از وطن) ادامه یافت، پس چنان بود که هرگاه به مردی از آن بلاد برخوردم، وی را از وطنش و شهرش پرسش نمودم، و آن گاه که میهن و جایگاه خود را برای من می گفت، او را از همان سرزمینش پرسش می نمودم، درباره [این که] ساکنان آن از عرب و عجم و... (و هم چنین از) آب آشامیدنی اهالی آن جا، تا آن جا که از پوشاکشان پرسش می کردم... و هم از کیش ها و عقاید و گفتارهای آنان و کسانی که بر آن جا دست یافته اند و آثانی که در آن جا سروری دارند (و نیز از) مسافت آن سرزمین و سرزمین های نزدیک به آن و... کاروان ها، سپس گزارش

های هر کسی را که به راست گویی او و ثوق داشتیم، می نگاشتم، و به پرسش گروهی پس از گروهی یاری می جستیم، تا آن که از خلقی بسیار و جهانی از مردم خاور و باختر در موسم (فراهم شدن حاجیان) و غیر موسم، پرسش نمودم و اخبارشان را نوشتم و احادیث آنان را روایت کردم و یکایک خلفا و امرا را که سرزمینی را فتح کرده و به کشوری سپاه تاخته است، و هم مبلغ خراج آن و میزان درآمد و دارایی آن را ذکر کردم. پیوسته این خبرها را می نوشتم و در مدتی دراز این کتاب را تألیف کردم و هر خبری را به سرزمین آن ملحق ساختم و هر چه را از مردم مورد وثوق اهالی شهرها شنیدم با آن چه پیش تر شناخته بودم ضمیمه ساختم...)) (9).

شور و شوق یعقوبی در کسب اخبار مورد اعتماد باعث می شد که هیچ گاه از این کار خسته نشود. سوگمندان باید گفت درباره سیر جغرافیایی سفرهای یعقوبی اطلاعات دقیقی در دست نیست و در جریان سفرهایش چندان اشاراتی به مسیر حرکت خود ندارد. (10) از این رو بازسازی نقشه حرکت و سیاحت های او مشکل است. ایجاد پیوند میان دو حوزه کلان از دانش های مسلمین در آن زمان - جغرافیا و تاریخ - و نوآوری در این زمینه سبب شد که بسیاری از جغرافیانگاران و تاریخ دانان پس از وی مانند مسعودی، ابوریحان بیرونی و... به روش وی توجه خاصی مبدول دارند. (11) توجه به تاریخ اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و بررسی او ضاع و احوال جغرافیایی اقلیم و سرزمین های مختلف و اهتمام ویژه به ((تاریخ جهانی)) (ج) می تواند بیان گر بینش فکری عمیق مورخ در نوع نگاه او به تاریخ باشد.

### 1.5- یعقوبی: پدر علم جغرافیای مسلمین

یعقوبی در دانش جغرافیا از نوایغ جهان اسلام در قرن سوم به شمار می رود؛ نه تنها به این دلیل که او دانش جغرافیا را به طور منسجم و مشخصی بنا نهاد، بلکه از آن لحاظ که نوآوریهای بدیعی در جغرافیاینگاری پدید آورده است، به ویژه در جغرافیای تاریخی و انسانی. اگر چه پیش از وی جغرافیانگاران چون هشام بن محمدالکلبی ظهور کرده اند که در آثار تاریخی خود مباحثی در باب جغرافیا به ویژه جغرافیای جزیره العرب آورده است و حتی در این باره کتابی هم تألیف نموده - که البته چیزی از آن باقی نمانده است - و با خوارزمی که علاوه بر توجه اش به علمی نظیر ریاضیات و نجوم، در علم جغرافیا نیز از پیشتازان محسوب می شود و حتی کتابی به نام ((صورة الارض)) در این باره نوشته است و یا پس از وی ابویوسف یعقوبی کندی (حدود 260ه<sup>ق</sup>) که اثری به نام ((رسم العمور فی الارض)) از او باقی مانده است و پس از او، شاگردش احمدبن طیبب سرخسی کتابی به نام ((المسالک و الممالک)) تألیف کرده و رساله ای در باب کوه ها، رودها و آب ها با عنوان ((فی البحار و المیاه و الجبال)) داشته است (12) و ابن خردادبه (متوفی 300ه<sup>ق</sup>) که ((المسالک و الممالک)) را نگاشته است (13) و صد البته کاری شایسته تحسین و ستایش می باشد. اما یعقوبی دانش جغرافیا را به معنای واقعی آن بنا نهاد. از این رو او را ((پدر علم جغرافیای مسلمین)) (14) خوانده اند. او در حوزه علم جغرافیا با اثر معروف خود با عنوان ((البلدان)) که خود در مقدمه بیشتر مایل بوده آن را ((مختصرالبلدان)) بنامد، شناخته می شود که بدون اغراق باید گفت اثری بدیع و فرهنگ نامه ای بدیل در علم جغرافیاست که مئاسفانه فصولی از آن که در باب جغرافیای هند و چین و امپراطوری بیزانس بوده از بین رفته است. وی آثار مستقل دیگری نیز در باب دانش جغرافیا داشته است؛ از جمله اثری در مورد جغرافیای بیزانس و کتابی با عنوان ((المسالک و الممالک)) که هر دوی این آثار از بین رفته اند. روش او در گردآوری اطلاعات جغرافیایی و توجه به جنبه های مختلف این دانش و سیر و سفرهای بسیارش، تحسین مستشرقین را برانگیخته است. او که از دوره نوجوانی به مناطقی چون ارمنستان و آذربایجان و خراسان و ایران شرقی سفر کرده و پس از آن هند و سند و حدود چین و آسیای جنوب شرقی را دیده و سپس به سوی بلاد شام و سرزمین های عرب نشین بازگشته و فلسطین، نوبه و مغرب را در نوردیده و مدت ها در مصر اقامت کرده است، مجموعه دستاوردهای خود را در دو کتاب ((البلدان)) و ((تاریخ یعقوبی)) و کتاب کوچک دیگری به نام ((مشاکله الناس لزمانهم)) برای ما به یادگار نهاده است. مولف در ((البلدان)) با دقت، وثاقت، امانت و حساسیت خاص، بسیاری از مسائل مناطق محل گذر و مورد مطالعه خویش را ثبت و ضبط کرده است. وی در گردآوری اخبار و اطلاعات جغرافیایی هر منطقه از روش های مصاحبه و معاینه بهره برده و خود نیز در مقدمه ((البلدان)) - چنان که در بخش روش یعقوبی اشاره رفت - از آن یاد کرده است. (15) سابقه شهرها، عادات مردم آن مناطق، رسوم مردم هر منطقه، عقاید رایج آن ها، انواع و اقسام خوراکی ها و تولیدات هر منطقه اعم از کشاورزی و دامی، اشربه و اطعمه آنان، حکام و فرمانروایان و فاتحان آن منطقه، تعیین فاصله راه ها بر حسب روز و منزل و دور و نزدیکی بلاد از یکدیگر و جهات جغرافیایی، از موضوعاتی است که مورد توجه این مورخ برجسته بوده است. (16) وی برای ارائه اطلاعات دقیق جغرافیایی تلاش داشته است اطلاعات و اخباری را که از طریق پرسش و مصاحبه به دست آورده به تأیید یکی از راستگوترین افراد منطقه برساند. (17)

در ((البلدان)) به جغرافیای تاریخی - انسانی و اقتصادی نیز توجه ویژه ای شده است. بنابراین از چگونگی ورود اسلام به منطقه، سابقه تاریخی هر محل و بنای آن، ذکر خصوصیات شهر، ذکر فتوحات، کیفیت فتوحات، اسامی افراد فاتح، مشایخ و قضات آن منطقه، رهبران و امرایی که در فتح آن نقش داشته اند و میزان مالیات، خراج و جزیه آن مناطق را به طور دقیق مورد امعان نظر قرار داده است. این دقت ها و نکته سنجی هاست که یعقوبی را سرآمد بسیاری از جغرافیادانان عالم اسلام قرار داده است. به طور کلی می توان ویژگی های تاریخ جغرافیانگاران یعقوبی را به شرح زیر خلاصه کرد:

- 1- به کارگیری روش مشاهده و معاینه در مطالعه پدیده های جغرافیایی به وسیله سیر و سیاحت.
- 2- استفاده از روش مصاحبه برای آگاهی بر اخبار شفاهی مناطق، محل ها، رودها، دریاها و... .
- 3- مکان نگاری و توجه به جغرافیای شهری و توصیف بلاد.
- 4- توجه به جغرافیای تاریخی، سابقه و تاریخچه و بنای شهرها و تحولات آن.
- 5- توجه به جمعیت شناسی و مردم نگاری و مردم شناسی، ذکر آداب، رسوم و عادات مردم مناطق و جنبه های آماری آن.
- 6- توجه به جغرافیای تجارتي و اقلام و محصولات کشاورزی.

7- توجه به جغرافیای راه ها و بیان فاصله شهرها و راه ها از یکدیگر.

## 2- رهیافت های فرهنگی در تاریخ نگاری یعقوبی

### 2.1- یعقوبی و دانش تاریخ

در دانش تاریخ نیز یعقوبی نوآور و خلاق بود. او و هم عصرش ابوحنیفه دینوری (18) به جای نگارش تاریخ بر محور سال نگاری، به فصل بندی تاریخ بر حول موضوعات و مقولات روی آوردند. وی شیوه تاریخ نگاری موضوعی را به نحوی با تاریخ نگاری مبتنی بر حوایات پیوند داده است. او بر خلاف تصوراتی که تاریخ را به صورت يك مقوله طولی و با بیان زمان نگارانه و سال نگارانه ای دنبال می کرد، دوران خلافت خلفا، جنگ ها و رویدادها را محور و عنوان تاریخ نگاری خویش قرار داد، ولی در عین حال در هر دوره سعی کرده است به نحوی رعایت توالی و ترتیب اتفاقات را در بستر زمان نیز دنبال کند. علاوه بر آن، یعقوبی شیوه نقلی در تاریخ نگاری و کاربرد روش حدیثی را کنار گذاشت و بر خلاف مورخان پیش از خود و برخی معاصران و اسلاف معروف چون طبری، از ذکر سلسله اسناد که به صورت حدیثی در مقدمه اخبار تاریخی می آمد، خودداری کرده و اخبار و اطلاعات خود را بدون ذکر سلسله اسناد بیان داشته است. بعدها مسعودی نیز این شیوه نگارش را به کار گرفت و آن را تعالی و ترقی بخشید. البته این بدان معنا نیست که یعقوبی در وثاقت اخبار و یا گرفتن اطلاعات و اخبار تاریخی از سر منشأهای اصلی و مورد اعتماد غافل بوده است بلکه بر عکس، یکی از حساسیت ها و دقت های علمی یعقوبی توجه جدی به درستی و صحت روایت است؛ از این رو او روایت هایی را برگزیده که به روایان آن ها و اخبارشان اعتماد داشته، و بدین جهت لزومی نمی دیده است که سلسله اسامی روایت را که به طور معمول در شیوه های حدیثی حجم بسیاری از آثار تاریخی را به خود اختصاص می دهند ذکر کند، بلکه به جای آن روش نوینی را ابداع کرد و بر اساس آن، منابع و اسناد خود را که به روایت و اقوال آنان اعتماد کرده بود، به صورت يك جا آورده است. (ه)

اهم منابع رجالی روایات یعقوبی عبارتند از:

1- اسحاق بن سلیمان بن علی هاشمی که از بزرگان بنی هاشم بوده است 2- ابوالبختری وهب بن وهب قرشی 3- جعفر بن محمد و رجال حدیث او 4- ابان بن عثمان از جعفر بن محمد 5- محمد بن عمر واقفی 6- موسی بن عقبه و کسانیه که از او نقل کرده اند 7- عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری مغفاری بصری که راوی سیره ابن اسحاق از زیاد بن عبدالله بکایی بوده است 8- محمد بن اسحاق مطلبی 9- ابوحسان حسن بن عثمان ز یادى 10- ابوالمنذر هشام بن محمد بن سائب کلبی نسابه معروف و رجال حدیث و اقوال او 11- عیسی بن یزید بن داب بکری حجازی، شاعر و خطیب و عالم نسابه که در عصر مهدی و هادی از خلفای عباسی زندگی می کرده 12- میثم بن عدی طائفی 13- عبدالله بن عباس همدانی 14- محمد بن کثیر قرشی از ابوصالح و از دیگر رجال حدیث او 15- علی بن محمد بن عبدالله بن ابی سیف مدائنی 16- ابومعشر مدنی 17- محمد بن موسی خوارزمی منجم و... (19). سوگمندانه باید گفت مقدمه جلد نخست تاریخ عمومی یعقوبی که به تاریخ ملل و اقوام مختلف پرداخته و یحتمل مانند جلد دوم دارای مقدمه مفصلی بوده که منابع را در جلد اول مشخص می کرده، مفقود شده است. بنابراین، درباره منابع یعقوبی جز آن چه که از محتوای آن بر می آید، اطلاعاتی نداریم. آن چه در باب منابع جلد اول مسلم است این که بیشتر اطلاعات آن برگرفته از کتب مذهبی یهودیان، مسیحیان و آثار علمی و فرهنگی مترجمان عصر ((نهضت ترجمه)) در عهد نخستین عباسی است. هم چنین، بسیاری از آگاهی های او مبتنی بر مشاهدات و پرس و جوهای است که در سفرهای خود از مردم مناطق مختلف به عمل آورده است.

### 2.2- ویژگی های تاریخ نگاری یعقوبی

- 1- تلفیق دانش تاریخ و جغرافیا و تقریب معرفت های بشری در تاریخ نگاری.
- 2- جهان نگری و طرح مباحث ملل مختلف در قالب تاریخ جهانی.
- 3- رویکرد اجتماعی و مردم شناسانه به تاریخ و پرداختن به مباحث اجتماعی و مردمی.
- 4- دقت و وثاقت علمی در جمعآوری اطلاعات.
- 5- ذکر روایات تاریخی شیعیان درحالی که دیگر مورخین عصر او در این زمینه بیشتر سکوت اختیار کرده بودند.
- 6- تبویب و تنظیم تاریخ نگاری خود به شیوه موضوع نگاری، نه بر اساس حوایات.
- 7- امانت داری و ذکر منابع تاریخ نگاری خویش به شکلی منظم در آغاز کتاب و حذف سلسله روایت - در يك اقدام ابتکاری.
- 8- جمعآوری روایات شفاهی از طریق گفت وگویی حضوری.
- 9- به کارگیری روش ((مشاهده)) و ((معاینه)) برای دست یابی به اطلاعات دقیق تر - تحقیق میدانی.
- 10- طرح مباحث علمی و رویکرد فرهنگی و فلسفی به تاریخ.
- 11- پرهیز از جانب داری و قضاوت يك طرفه در باب حوادث تاریخی تا حد امکان.
- 12- پیوند دادن علم نجوم با علم تاریخ و تطبیق تقویم های مختلف با یکدیگر.

### 2.3- ابواب و محتوای تاریخ یعقوبی

تاریخ یعقوبی نخستین اثر در تاریخ نگاری مسلمین است که با بینش عمیق و با يك رویکرد جهانی به تاریخ، نگاشته شده است. (20) این اثر احتمالاً به طور کامل به دست ما نرسیده است، زیرا بدون مقدمه و با قصه آدم و حوا آغاز شده است و اگر شیوه یعقوبی را در جلد دوم این اثر مورد توجه قرار دهیم، نمی توانیم بپذیریم که او کتابش را بی مقدمه آغاز کرده باشد. به احتمال بسیار زیاد تاریخ عمومی یعقوبی دارای مقدمه ای در باب تالیف کتاب و مقدمه ای در باب آفرینش بوده که از بین رفته است.

در مجموع، این اثر عظیم و ارزنده را بایستی به دو بخش کلی تقسیم کرد:

1- قبل از اسلام (جلد اول).

2- بعد از اسلام (جلد دوم).

این اثر به صورت موضوعی با عناوینی چون پیامبران، ملوک، علما و فلاسفه، کتاب‌ها و اقوام، کیش‌ها، آداب، سرزمین‌ها و کشورهای و خلفا، با عطف توجه به ترتیب و ترتیب زمانی آن‌ها تنظیم و تدوین گردیده و در هر موضوع به مطالب و مباحث خاص آن موضوع و تحولات مربوط به آن پرداخته شده است.

#### 2.4. رویکرد فرهنگی در تاریخ نگاری یعقوبی

یکی از وجوه مشخصه تاریخ نگاری اسلامی از آغاز قرن سوم به بعد، رویکرد مورخان اسلامی به تاریخ، فرهنگ و تمدن ملل دیگر می باشد. این رویکرد بدون تردید معلول علل و عوامل گوناگونی بوده است. فروکش کردن دامنه فتوحات اسلامی و پایان عصر فتوح، ایجاد ارتباط و برقراری رابطه فرهنگی با سایر ملل متمدن دنیا، جذب و نقل آثار علمی و فرهنگی ملل دیگر و نیز ضرورت نیاز مسلمین به تفسیر و تحلیل میراث عهد پیامبر اسلام (ص) در تأکید بر ایجاد يك جامعه متعالی و پویا، و توصیفات قرآن و پیامبر از دانش و دانایی و ارجمندی مقام طالب علم و دانش، هم از عوامل زمینه ساز و موثر در توجه مسلمین به فرهنگ و تمدن ملل دیگر در اقصی نقاط عالم بود.

تاریخ نگاری اسلامی نیز همپای این تحولات و متأثر از آن‌ها، تحولات خاصی را به خود دید و از آغاز قرن سوم هجری با توسعه دامنه دانش و دانایی و تکریم مقام علم و علما، به عنوان یکی از دانش‌های ارزنده در تمدن اسلامی شناخته شد که متناسب با نیاز جامعه اسلامی برای شناخت عصر بعثت، عصر خلفا و دیگر تحولات اساسی تاریخ اسلام، با سرعت در دامن جامعه اسلامی رخ نموده و پدیدار گردید. اما آن چه بیشتر در حوزه کار مورخان اخباری و اهل حدیث به عنوان علم تاریخ تلقی می شد عبارت از همان تاریخ عصر پیامبر (ص) و وقایع سیاسی آن بود. اما با آغاز دوره عباسی به ویژه از عصر منصور، جامعه اسلامی با فراهم آمدن زمینه‌های لازم، شروع به جذب عناصر فرهنگی دیگر جوامع بشری کرد و با حرکت عظیم ((نهضت ترجمه)) امکانات و تدارکات بسیاری برای بهره‌مندی از آن فرهنگ‌ها فراهم آمد و خلفا و وزرا و امرا هر کدام به نوبه خود در این راه کوشیدند تا علوم و معارف سرزمین‌های هم‌جوار و یا مفتوحه، وارد حوزه تمدنی اسلام گردد. تاریخ نگاری اسلامی نیز به نوبه خود تحت تأثیر این جریان‌های فرهنگی و نقل و انتقال علوم مختلف به جهان اسلام قرار گرفت و ضرورت پرداختن به مباحث فرهنگی و علمی و تمدنی سایر ملل مورد توجه بر خی از تاریخ نگاران مسلمان قرار گرفت. از مورخان طراز اولی که این ضرورت را در سطحی بسیار عالی احساس نمود و در اثر تاریخی خود به آن پرداخت، ((ابن واضح یعقوبی)) است.

در سه اثر بازمانده از یعقوبی توجه او به علوم مختلفه، فرهنگ و حیات اجتماعی قابل ستایش و تحسین برانگیز است. در ((البلدان)) در توصیف برخی از شهرها، به مراکز علمی و فرهنگی توجه خاصی نموده است. در ((مشاکله الناس لزمانهم)) در بیان عادات و سلوک خلفا و امرای دانش دوست و فرهنگ پرور و نقش آن‌ها در توسعه دانش و رواج مسلك دانش پروری در جامعه اسلامی، توضیح می دهد که چگونه زمانی که حاکم و امیری دارای خصایل فرهنگی و دوستدار علم و دانش و دانایی باشد، این روحیه در میان افراد جامعه شیوع پیدا می کند و کانون‌های علمی و فرهنگی متعددی شکل گرفته و همه به نحوی سعی می کنند روحیه ای را که خلیفه، امیر و یا وزیر می پذیرد اتخاذ کنند و بدین گونه علما و دانایان بسیار می شوند و توجه مردم به علوم فزونی می یابد. (و) چنان که در همان کتاب در مورد عصر ابوجعفر منصور خلیفه عباسی آورده است:

((و کان اول خلیفه اتخذ المنجمین و عمل بالنجوم و کان اول خلیفه ترجم الكتب القديمة العجمیه و نقلها الى اللسان العربی و فی ایامه ترجم کتاب کلیله و دمنه و ترجم کتاب السنند هند و ترجم کتب از سطاطالیس و کتاب المجسطی لبطلمیوس و کتاب اقلیدس و کتاب الدر ثماطیقی و سائر الكتب العجمیه فی النجوم و الحساب و الطب و الفلاسفه و غیر ذلك و تنظر فیها الناس)).

و فی ایامه ایضا وضع محمدبن اسحاق بن بشار کتب المغازی و لم تکن قبل ذلك مجموعه و لامعروفه و کان اول خلیفه، بنی فنزلها و هی مدینه بغداد و اخذ له الطالع فی الوقت الذی اتخذ بنیانها. فقیل له إنه لایموت بها خلیفه و کان ابوجعفر قد نظر فی العلم و روی الحدیث و کثرت علوم الناس و روایاتهم فی ایامه. ..)) (21)

در همین زمینه در کتاب مورد نظر، مثال هایی از عصر هارون و مأمون نیز آمده است. (22)

در ((تاریخ یعقوبی)) نیز مولف اثر خود را با يك رویکرد فرهنگی و با توجه ویژه ای به تاریخ علم، تحولات علوم، نام و زندگی برخی از علما و دانشمندان ملل دیگر چون یونانیان، رومیان، ایرانیان و هندیان و آثار علمی بزرگان و علمایی چون برهمن کبیر، بقراط، ارسطو، افلاطون، مانی، بطلمیوس و... آغاز کرده و بدین وسیله از قالب کلیشه ای ((تواریخ عمومی)) که در تاریخ سیاسی يك عصر نداشته است، توجه به مسائل فرهنگی را در اولویت قرار داده است. (23) البته بایستی یادآور شد که یعقوبی روند مشخصی را در توجه به مسائل فرهنگی و علمی ملل و اقوام مختلف در پیش نگرفته است. به عنوان نمونه، نسبت به برخی از علمای ایرانی نظیر ابن مقفع که از نخستین مترجمان کتب فارسی به زبان عربی بوده است، و یا نسبت به تحولات علمی ((عصر ترجمه)) و نشاط علمی و فرهنگی عهد هارون و مأمون با بی اعتنایی و کم توجهی گذشته است و این بی محلی از یعقوبی که فردی بسیار حساس نسبت به این مسائل است، جای شگفتی دارد. البته ناگفته نماند که او بسیاری از علوم و دانش‌های انتقالی به جهان اسلام را که در همین عصر، ترجمه شده است، در ضمن بیان موارث فرهنگی یونانیان و رومیان یادآور شده است.

یعقوبی در جلد نخست کتاب خود که به تاریخ عمومی قبل از اسلام اختصاص دارد و در شش باب تنظیم شده است، چند باب را به طور جدی به مباحث فرهنگی اختصاص داده است. باب اول دربر گیرنده اطلاعات تاریخی ماخوذ از اسرائیلیات و منابع دینی یهودیان و نصاری است. (24) از باب دوم که به تاریخ هندوستان می پردازد رویکرد فرهنگی و علمی یعقوبی در تاریخ نگاری شروع می شود. (25) باب سوم به طور کامل با يك نگاه فرهنگی و علمی به علوم و آثار علمی یونانیان و

رومیان و ذکر برخی حوادث سیاسی و نام برخی ملوک یونانی و رومی آغاز و به انجام رسیده است. (26) او در باب چهارم با وجود این که فصل مشروحی را به تاریخ ایران اختصاص داده است، اما چندان به آثار علمی و فرهنگی ایرانیان توجه نکرده و نگاهش به مسائل فرهنگی کم رنگ شده و فقط به یادآوری پاره ای از آثار مانوی اکتفا نموده است. (27) البته با این تفاوت که به تحولات مذهبی و دینی توجه ویژه داشته و به امور اعتقادی و آئینی ایرانیان و نیز به پاره ای امور دیوانی و اداری اشارات مفصلی دارد. (28) در باب پنجم، از چینیان و مصریان و قبایل نوبه و بجه، و در باب ششم در مورد تاریخ قدیم اعراب و کیش ها و آداب و رسوم آن ها سخن گفته و به طرح برخی مباحث فرهنگی و آئینی اعراب مبادرت ورزیده است.

در جلد دوم کتاب، وجه غالب رویکرد یعقوبی در تاریخ نگاری، پرداختن به تاریخ سیاسی است و کم تر به اوضاع اجتماعی و فرهنگی خلافت عباسیان توجه نموده است. از این رو در جلد دوم به جز پاره ای از پندها و اندرزها و نکات حکمتآمیز در باب دانش و علم و دانایی، مطلب قابل توجهی در ارتباط با مسائل فرهنگی به چشم نمی خورد. اما نکاتی که در مقدمه جلد دوم آورده است بسیار پسندیده است و توجه او را به دانش و دانایی و خردمندی و خردورزی نشان داده و بیانگر عمق اندیشه وی در باب اهمیت علم و دانش و جایگاه متعالی جویندگان آن می باشد. بر همین اساس است که او اطلاعات و اخبار تاریخی خود را بر مبنای روایت گران صادق و دانا قرار داده و آن ها را به تأیید روایان مطلع و دانا می رسانید. (29) با وجود این، مولف بر این امر واقف است که هیچ کس بر تمام علوم و دانایی ها اشراف ندارد و آدمی به ویژه از این باب دچار محدودیت است و نمی تواند به تمام دریای بی کران دانش دست یا بدر، اما خردمندی حکم می کند که بکوشد تا آن چه را که ندانستن آن نارواست، بداند. (30) گفتاری که یعقوبی در مقدمه جلد دوم تاریخ خود آورده است به خوبی نشان دهنده قوت حس حقیقت جویی و دانش پژوهشی او است. امری که جان مایه تاریخ نگاری او را شکل می داده است تا بر اساس آن، آن چه را از مختصر دانش خود به نسل بعدی می سپارد خلاف خردمندی نباشد: (31)

((... سپس خواستم آن چه را از هر يك از آنان به ما رسیده است جمعآوری کنم، چه يك نفر به تمام دانش احاطه پیدا نمی کند و امیر مومنان علی بن ابی طالب گفته است: العلم اكثر من ان يحفظ فخذوا من كل علم محاسنه؛ علم بیش از آن است که جمعآوری شود، پس از هر علمی قسمت های برجسته آن را فراگیر)).

در میان مورخان مسلمان کم تر مورخی را می توان سراغ گرفت که تا این حد به مقام والای علم و دانش و گردآوری آن اهمیت داده باشد.

پس از ذکر مقدمات بالا در مورد توجه یعقوبی به مسائل علمی و فرهنگی، به باب دوم و سوم تاریخ یعقوبی یعنی ابوابی که مولف به جای ذکر وقایع سیاسی، به مباحث علمی و فرهنگی کانون های مهم علمی جهان باستان نظیر هند، یونان، روم و ایران پرداخته و تحولات علمی را در آن حوزه ها مورد مذاقه قرار داده است، نظری می افکنیم تا رویکرد فرهنگی او در تاریخ نگاری بیشتر نمایان گردد. بدون تردید این شیوه عمل مولف متأثر از تکاپوی عظیم علمی مسلمین در عصر نهضت ترجمه و برگردان آثار علمی اندیشمندان مختلف از زبان های یونانی، سانسکریتی، پهلوی و سریانی به زبان عربی است و یعقوبی متأثر از این جنبش و نهضت علمی، بخش پایانی کتاب خویش را بیشتر به جریان ها، شخصیت ها و آثار علمی و فرهنگی آن کانون ها اختصاص داده است. به عبارت دیگر، ((نهضت ترجمه)) راهی را پیش پای یعقوبی نهاده که به جای ذکر وقایع سیاسی ناقص این سرزمین ها، رخدادهای علمی و فرهنگی آن ها را که بر تمدن اسلامی نیز تأثیرگذار بوده اند مورد توجه قرار دهد.

مولف، این رویکرد را به صورت کم رنگ از صفحات پایانی باب اول آغاز می کند و در آن جا توضیحات مفصلی در مورد کتب اربعه مسیحیت و آرای فرق مسیحی در باب مسیح ارائه می کند و بعد در بیان تاریخ بابل به رشد علوم می ماند نجوم و ریاضیات پرداخته و آن گاه به صورتی جدت از هند آغاز می کند.

## 2.5. نگاه فرهنگی و علمی به تاریخ هند

در باب مربوط به هند، یعقوبی رشته کلام را با بیان احوال دانایان هند و برهمنان آغاز می کند و در شرح احوال برهمن کبیر - که بنا به نقل مطلعان هندی و دانایان آن ها نخستین پادشاه هندوستان بوده که جمله هندیان بر پادشاهی او اتفاق کرده بودند - از دانشمندی و دانایی او سخن به میان آورده و او را بانی علم نجوم و دانش ستاره شناسی لقب داده و از ابتکارات او در این علم که به تأسیس بنیاد عظیمی به نام ((السند هند)) منجر شده یاد می کند. (32) آن گاه نقش این اثر عظیم هندیان باستان را در نجوم یونانی و اسلامی و بناک زیج های بعدی یادآور شده (33) و سپس به ذکر تاریخچه علم حساب هندی و اختراع حساب هندی و ارقام هندی و سیله برهمن کبیر و نقش آن ارقام نه گانه در علم حساب و شمارش می پردازد. (34)

یعقوبی از جمله مباحث عمده دیگری که در باب هندیان یادآور می شود تفکر اقلیم شناسی و تقسیمات ارضی و جغرافیایی در باب محیط فلک از منظر هندیان است که نشان دهنده مبنای فکری هندیان باستان در توجه شان به جهان بوده است. یادآوری این نکته ضروری است که آنان جهان را به اقلیم هفت گانه با حدود و ثغور مشخصی تقسیم کرده و طول و عرض و وسط و حدود اقلیم را بیان می کردند.

مبحث دیگر درباره اندیشه و تفکر هندیان باستان که یعقوبی از آن یاد می کند، در باب خلقت و اندیشه های کیهان شناسی و گیتی شناختی است. مسأله خلقت، گردش شب و روز و چرخش ستارگان، طول روز ها، جهان شناسی هندیان و دیگر اندیشه های آنان در باب سرنوشت جهان، به همراه برخی روایات اساطیری، از مسائل مورد توجه و اشاره مولف می باشد. (35) به دنبال آن، وی ضمن اشاره کوتاهی در باب چیرگی اسکندر بر سرزمین هند و پادشاه آن سرزمین، باز به مسائل علمی و فرهنگی توجه نموده و پس از آن تنها از آن دسته از پادشاهان هندی یاد می کند که به دانش دوستی و علم و دانایی مشهورند. بنابراین، مبنای تاریخ نگاری او در باب هند حتی در روند حوادث سیاسی نیز با يك رویکرد فرهنگی همراه است؛ از این رو، به سرنوشت و اقدامات شاهانی چون: ((کیهن)) و ((دبشلم)) بیشتر می پردازد. ((کیهن)) مردی با هوش و ادیب بوده و ظاهراً فرمان پادشاهی هند را از اسکندر مقدونی دریافت کرده است. سخنان

یعقوبی در باب این پادشاه خردمند و تصورات او از جهان و طبیعت نشان گر آن است که وی پادشاهی فیلسوف منش بوده و به نحوی به اصالت تصور قائل بوده است و سودمندی و غیر سودمندی جهان را بر اساس تصور سودمند و غیر سودمند از جهان معنا می کرده است. چنان که درباره او آورده است: ((کیهن اهل اندیشه و اول کسی است که می گفت طبیعت به تصور و اندیشه باز می گردد؛ آن چه را سودمند پنداشت سود می دهد و آن چه را زیان بخش تصور کرد ضرر خواهد داد)). (36)

پادشاه دیگر ((دبشلم)) است؛ شخصیتی که نام و نشان او با کتاب کلیله و دمنه و فلیسوف معروف عصرش ((بیدیا)) از حکما و فضلاک هند پیوند خورده است. یعقوبی در بیان پادشاهی او به این مسأله اشاره دارد و به تشریح و تفصیل از کتاب کلیله و دمنه و اهمیت آن یاد کرده و به توصیف ابواب ده گانه کتاب پرداخته است. (37)

به طور کلی آن چه را که یعقوبی در باب تاریخ هند آورده است باید تاریخ فرهنگی و علمی هند در عهد باستان نامید که در محورهای زیر خلاصه می شود:

- 1- شرح حال پادشاهان علم پرور و دانش دوست مانند: برهمن کبیر، کیهن، دبشلم، هشیران، بلهیت، حوسر و کوش.
- 2- شرح اقدامات و ابتکارات برخی از علما و اندیشمندان هندی نظیر بیدیا (بیدیا) فیلسوف و دانشمند بزرگ هندی مولف کلیله و دمنه، و قفلان مبتکر بازی نرد، و تفکر او در باب طبیعت و عناصر چهارگانه آن (آتش، هوا، زمین و آب) و تقسیمات سه گانه وی در باب نامی - و کسانی چون برهمن دانا مخترع شطرنج و حکمت آن - و سندباد حکیم.
- 3- شرح معرفت دانی و اسرار دانی هندوان و بر شمردن آثار علمی و فکری فلسفی آنان. چنان که در این مورد می گوید: ((... هندیان اهل دانش و اندیشه و بر همه مردم در هر دانش برتری دارند، گفتار آن ها در علم نجوم در ست ترین گفتارهاست، کتاب نجومشان ((السند هند)) است و هر علمی از علوم که یونانیان و پارسیان و جز آنان در آن سخن گفته اند از آن گرفته شده...)). (38)

### 2.5.1. فهرست آثار فکری و علمی هندیان باستان در تاریخ یعقوبی

- 1- ((السند هند)): تألیف برهمن کبیر نخستین پادشاه هند، که آثاری نظیر ارجبهر و مجسطی از آن مختصر شده اند.
- 2- مجموعه ارقام نه گانه هند که برهمن کبیر بنا نهاده است.
- 3- کلیله و دمنه نوشته بیدیا فیلسوف عصر دبشلم پادشاه دانش پرور هند.
- 4- اختراع بازی نرد ساخته قفلان دانشمند و فیلسوف هندی در عهد پادشاه هشیران.
- 5- بازی شطرنج اختراع قفلان یاد شده.
- 6- سسررد کتابی در باب بیماریها و نشانه های آن و راه درمان آن ها و داروهای مخصوص درمان آن بیمارها.
- 7- شرك در علم پزشکی که همان سرك (سیرک) است که پس از آن که از هندی به فارسی ترجمه شده بود، عبدالله بن علی آن را از فارسی به عربی درآورد.
- 8- ندان در علم پزشکی که مشتمل بر شناخت نشانه علایم چهارصد و چهار بیماری است. البته اشاره ای به راه های درمان آن ندارد.
- 9- سندھشان که همان کتاب صروه النجح می باشد که این دهن به تشویق آل برمک آن را ترجمه کرد.
- 10- کتابی درباره آن چه هندیان و رومیان از گرم و سرد و آثار داروها و فصول سال، درباره آن اختلاف دارند.
- 11- کتابی در باب نام های داروها.
- 12- طوفا در علم منطق و حدود آن.
- 13- کتابی در اختلاف فیلسوفان هندی و رومی در باب مسائل مختلف. (39)

### 2.6. نگاه فرهنگی و علمی به تاریخ یونان و روم

در فصل مربوط به تاریخ یونانیان، آن چه که در تاریخ یعقوبی نما و برجستگی ویژه ای دارد تاریخ علم و اندیشه اندیشمندان یونان و آثار فکری آنان است. مولف بحث خود را از حکما و فلاسفه یونان و تبحر و تخصص آنان در علوم مختلف به ویژه علم پزشکی، علم حساب و شمارش، علم افلاک و ستاره شناسی، هندسه، کیمیا و اکسید آغاز می کند. شرح احوال اندیشمندان یونانی را با واضع علم طب ((ابقراط [بقراط] اقلیدس)) آغاز کرده و به توضیح آثار فکری او در زمینه طب و سایر علوم پرداخته و نقش و جایگاه او را در دانش یونانیان و هم چنین در پرورش شاگردان دانا و دانشور یادآور می شود. (40)

تمام آن چه که یعقوبی درباره تاریخ یونان آورده است، شرح مفصل درباره علما و اندیشمندان آن دیار و آموزه های فکری و آثار علمی آنان است و نخبگان فکری آن سرزمین را که نمایندگان اصلی افکار و اندیشه های جهانی یونانی هستند و به نحوی می توان گفت که اندیشه ها و آثار آنان در عصر ترجمه (نهضت ترجمه) به تمدن اسلامی انتقال یافته است، مورد توجه قرار داده و به شرح ابواب و فصول مختلف آن آثار پرداخته و تعالیم آنان را توضیح و محتوای برخی از آن کتب را به اختصار شرح داده است. پس تاریخ نگاری یعقوبی درباره تاریخ یونان را می توان بر اساس محورهای زیر دسته بندی نمود: (41)

- 1- شرح احوال بقراط حکیم و آثار علمی و فکری او. 2- شرح احوال جالینوس و آثار علمی و فکری او. 3- شرح احوال سقراط و آثار علمی و فکری او. 4- شرح احوال افلاطون و آثار علمی و فکری او. 5- شرح احوال اقلیدس و آثار علمی و فکری او. 6- شرح احوال نیکوماخوس و آثار علمی و فکری او. 7- شرح احوال بطلمیوس و آثار علمی و فکری او.

مولف علاوه بر شرح و توصیف محورهای مذکور، بحث های پراکنده و کوتاهی درباره سایر علمای یونانی و آثار علمی آنان دارد. در مورد هر کدام از حکمای معروف و شناخته شده یونان که در بالا یاد شد، فصلی آورده و از آثار آنان یاد کرده، که به ترتیب، فهرست آثار علمی آنان در پی می آید:

### 2.6.1. فهرست آثار بقراط در تاریخ یعقوبی

1- کتاب الفصول. 2- کتاب البلدان و المیاه و الاهویه. 3- کتاب مآل الشعیر. 4- کتاب تقدمه المعرفه. 5- کتاب الجنین. 6- کتاب الارکان. 7- کتاب الغذاء. 8- کتاب اوجاع النسب. 9- کتاب ایذیمیا. یعقوبی ضمن بیان آثار بقراط، به شرح تعلیمات و اصول و فصول این آثار نیز پرداخته است. در شرح کتاب، فصول پنجاه و هفت باب کتاب را توضیح داده (42) و در کتاب ((تقدمه المعرفه)) به شرح و معرفی فصول سه گانه و تعالیم بیست گانه بقراط اقدام کرده است. (43) آن گاه به شرح کتاب ((در هواها و زمان ها و آب ها و شهرها)) پرداخته و به بیماری های مختلف آن ها که در نه باب می باشد اشاره کرده است. (44) هم چنین به گفتار های سه گانه اش در مورد وضعیت سرزمین ها و بادها و هواها پرداخته و نسبت انواع سرزمین ها و هواها را با امراض، در علم پزشکی یادآور شده است. (45) در پایان فصل مربوط به بقراط نیز در مورد دو اثر دیگر بقراط، ((مآل الشعیر)) و ((ارکان))، توضیحاتی ارائه داده است. (46)

## 2.6.2. جالینوس و فهرست آثار وی در تاریخ یعقوبی

شرح احوال و آثار جالینوس فیلسوف، پزشک و دانشمند بزرگ یونانی که تأثیرات فراوانی از بقراط پذیرفته است چند صفحه ای را از کتاب یعقوبی به خود اختصاص داده و آثار زیر به او نسبت داده شده است.

- 1- کتاب زدن رگ ها.
  - 2- کتاب تشریح اعضا.
  - 3- کتاب تشریح رگ ها و وریدها.
  - 4- دو مقاله در بیماری های نفس.
  - 5- کتاب خوراکی ها.
  - 6- چهار مقاله در باب صداها.
  - 7- کتاب هفده مقاله.
  - 8- کتاب تشریح رحم.
  - 9- کتابی در نشانه های چشم.
  - 10- کتابی در پزشکی اصحاب تجربه.
  - 11- سه مقاله در حرکت شش و سینه.
  - 12- کتاب فوائد اعضا.
  - 13- کتاب بزرگ تشریح در پانزده گفتار در باب قسمت های مختلف اعضای انسان و کارکرد آن ها. علاوه بر این، کتاب دیگری در تشریح به نام ((چند مقاله)) داشته است که یعقوبی به طور مفصل آن را توضیح داده است. (47)
  - 14- دو مقاله در بیماری های نفس.
  - 15- کتابی در نیروهای طبیعی و کارهای نفسانی.
  - 16- مقاله ای درباره پیشاب از خون.
  - 17- مقاله ای درباره داروهای مسهل.
  - 18- کتابی در مورد آرا بقراط و افلاطون درباره نیروهای نفس ناطقه که تخیل و تفکر و حافظه باشد.
  - 19- دو مقاله در باب نیروهایی که بدن به وسیله آن ها استوار است.
  - 20- فوائد اعضا در هفده مقاله.
  - 21- کتاب عناصر، که درباره عناصر و اجسام سرد و گرم وتر و خشک و نسبت آن با عناصر چهارگانه (زمین، آتش، هوا و آب) است.
  - 22- کتاب امزجه در سیزده مقاله.
  - 23- کتابی در حفظ تندرستی.
  - 24- کتابی در انواع خوراکی ها.
  - 25- کتابی در کیموس خوب و بد.
  - 26- کتابی در وسایل تطیف.
  - 27- کتابی در تقسیم بیماری ها.
  - 28- کتابی در علل بیماری ها.
  - 29- کتابی در تنگی نفس.
  - 30- کتابی در بحران ها.
  - 31- کتابی در انواع نبض ها.
  - 32- کتابی در چاره بهبودی و راه بهبودی انواع بیماری ها.
  - 33- کتابی در دسته اصحاب چارها.
  - 34- مقاله ای در امتلا.
  - 35- دو مقاله در تقسیم تب ها و بیماری های درونی.
  - 36- مقاله ای در مورد سل.
  - 37- مقاله ای در مورد رگ زدن.
  - 38- مقاله ای درباره دستور بقراط در مورد بیماری های تند و حاد.
  - 39- شرح و تفسیرهایی درباره آثار بقراط. (48)
- پس از آن، مولف به طور بسیار مختصری به شرح دانش و حکمت نزد یونانیانی نظیر سقراط، فیثاغورس، اوجانس (دیوجانس حکیم)، افلیموس (افلیمون)، ذیمقراطوس و افلاطون پرداخته و نقش و جایگاه هر یک از آن ها در توسعه برخی از دانش ها در یونان باستان را یادآور شده (49) و بحثی در باره افلاطون و آرای او در باب نفس و قوای سه گانه ارائه داده



است.

### 2.6.3. اقلیدس و آرا و آثار او در تاریخ یعقوبی

یعقوبی يك فصل طولانی را به اقلیدوس و دانش او درباره افلاك و ستارگان، نظریاتش درباره نجوم و تعدیل مسیر ستارگان، طول، عرض، سرعت، کندی، استقامت، رجوع، طلوع و غروب کواكب و شعاع آن ها، ساعات روز و شب، مطالع برج ها و اختلاف آن ها در سرزمین های مختلف اختصاص داده و سیزده مقاله اقلیدوس و موضوع هر يك از آن ها را یادآور شده و دیدگاهش درباره چگونگی حصول به علم و راه حل های دست یابی به آن نظیر: خبر، مثال، خلف، ترتیب، فصل، برهان و تمام را بیان نموده است. (50) مولف تنها به دو اثر از اقلیدوس اشاره کرده است:

- 1- سیزده مقاله.
- 2- کتاب در مناظر و اختلاف آن هایی که [اختلافشان] ناشی از مخارج چشم ها و شعاع می باشد.

### 2.6.4. آرا و آثار نیکوماخوس (نیکوماخوس) در تاریخ یعقوبی

یعقوبی پس از بیان آثار اقلیدوس، فصلی از کتابش را به توضیح درباره آثار و نظریات پدر ارسطاطالیس (ارسطو) اختصاص داده (51) و به نظرات او در باب فضیلت، حکمت و دیدگاه فلاسفه پیشین در این باره پرداخته و نظریه اعدادی نیکوماخوس درباره این که همه امور در طبیعت به عدد وابسته اند را بیان کرده و اشاره ای به محتوای کتاب ارثماتیکی و گفتارهای سه گانه او در مورد تشاکل و تجانس، زوجیت، فردیت و تقسیمات آن و کمیت مفرد، اعداد زاید و عدد معتدل و عدد ناقص، کمیت مضاف معادل و تقسیمات چندگانه آن ها و سایر تقسیمات اعدادی نموده و بیان کرده است که او نخستین کسی بوده که نظریه بیضی شکل بودن فلک را ارائه کرده و برج ها را بر اساس آن تصویر کرده است. (52)

### 2.6.5. ارسطو، آثار علمی و افکار او در تاریخ یعقوبی

ارسطو فرزند نیکوماخوس، دانشمند، فیلسوف و نظریه پرداز سیاسی یونان باستان نیز بخشی از کتاب یعقوبی را به خود اختصاص داده است. مولف پس از توضیحی مختصر، فهرست مفصلی از آثار فکری این عالم برجسته یونانی را به شرح زیر ارائه کرده و درباره هر يك از آن ها نیز بر حسب ضرورت توضیحاتی داده است:

- 1- کتب مدخل، معروف به ایساغوجی در فلسفه.
- 2- کتابی در باب فلسفه و آن که چگونه مشتق شده است.
- 3- کتابی در منطق.
- 4- کتابی در قوای نفس که ناشی از فکر و غضب و شهوت است.
- 5- کتابی در تقسیم چیزها به دو قسم.
- 6- کتابی درباره واجب، ممکن و ممتنع.
- 7- کتابی در جنس (جنس عادت و جنس طبیعت...).
- 8- کتابی در مناسبت.
- 9- کتابی در چهار نوع (منطقیات، طبیعیات، اجسام و غیر اجسام).
- 10- کتاب فاطیغوریاس (لنگورس) در مقولات ده گانه (جوهر، کمیت، کیفیت، مضاف، این، متی، فاعل، مفعول، وضع، جده).
- 11- کتاب تفسیر در منطق که گفتاری است در باب مقدمات و قضایای اخباری، ایجابی و سلبی.
- 12- کتاب انولپتیقا که اثری است در منطق و روش ساختن جوامع مرسله.
- 13- کتاب ابوووقتیقا در منطق و امور واضح برهانی که به ((بیان و برهان)) معروف است و ارسطو در این کتاب روش متمایز حق و باطل و راست و دروغ را بیان می کند.
- 14- کتاب طویپقا در منطق و نام های پنج گانه مثل: جنس، نوع، فصل، خاصه و عرض (عام).
- 15- کتاب سوفسطیقا در منطق که درباره مسائل مغالطه و انواع آن و مقابله با مغالطه های سوفسطائی ها است.
- 16- کتاب فوایطیقا در منطق که گفتاری است در وضعیت شعر و اوزان آن.
- 17- کتاب ریطوریفقا در منطق که محتوای آن درباره فن بلاغت می باشد.
- 18- کتاب سمع الکیان در طبیعیات که درباره سماع طبیعی و طبیعت ها (عنصر، صورت، مکان، حرکت، زمان) می باشد.
- 19- کتاب کون و فساد در طبیعت ها و حقیقت کون و فساد آب و هوا و ... .
- 20- کتاب شرایع در طبیعیات که گفتاری است در آثار علوی و سماوی.
- 21- کتب اسمیا العالم در طبیعیات که بحثی است در باب فلکیات و عناصر مستدیر الشکل و غیر مستدیر.
- 22- کتاب معادن در طبیعیات که بحثی در باب اجسام زیرزمینی و چگونگی خواص آن ها است.
- 23- کتاب نبات در طبیعیات که بحثی است در باب پیدایش نباتات و اعراض خاصه و عامه و پیدایش اعضای آن.
- 24- کتاب نفس که درباره امور نفسانی، حقیقت نفس، علل قوام و فصول آن، فضایل نفس و عادات و امور ستوده آن چون: منطق، عدالت، حکمت، دانش، علم و... و امور مذموم چون: جور، نفاق، فسق، دروغ و بیداد می باشد.
- 25- کتابی در گفتار روحانی، قوای روحانی، ذکر صورت مجرد از هیولا که در عالم برین است و شناخت پیوستگی قوه های روحانی و طبیعی یا مادی و چیستی عقل.
- 26- کتاب حس در مورد حس و امور محسوس و علل و اسباب حسی و محسوسات و چیستی حس.
- 27- کتاب توحید.
- 28- کتاب اخلاق نفس در اخلاق.
- 29- کتاب سیاست و تدبیر در اخلاق.
- 30- کتاب تدبیر عامه و خاصه در اخلاق. (53)

## 2.6.6 فهرست آثار و افکار بطلمیوس در تاریخ یعقوبی

یعقوبی در فصلی که به بطلمیوس اختصاص داده است به توضیح آثار ارزشمند او در باب نجوم، فلك محیط و سیر حرکات ماه و خورشید و ستارگان پرداخته و چهار کتاب برجسته او را به ترتیب زیر معرفی نموده و توضیح داده است:

1- مجسطی (کتاب کبیر): کتابی است در علم نجوم و حرکات کواکب. یعقوبی چهار مقاله از سیزده مقاله این کتاب را توضیح داده است. مقاله اول در سه باب، مقاله دوم در سیزده باب، مقاله سوم در ده باب و در مورد حرکات خورشید، اختلاف روزها، سیر متوسط و مقاله چهارم در یازده باب درباره انواع حرکات و نه مقاله دیگر در توصیف مرکزها و تقویم حرکت تدویر و وضع جدول های حرکت، جداول طول کوكب و ... .

2- کتاب ذات الحق: کتابی است در باب نمایش دواير منطقه البروج، معدل النهار، نصف النهار و چگونگی تعیین میل و طول و عرض کواکب، که به وسیله نه حلقه نمایش داده شده و در هر بابی به مبحث خاصی پرداخته شده است.

3- کتاب ذات الصفائح (اصطراب) که مشتمل بر بیست باب بوده است.

4- کتاب قانون بطلمیوس در علم نجوم و حساب که ابواب مختلفی به شرح زیر داشته است: تقویم تعدیل های کواکب، تقویم ساعات و تعدیل آن ها، عرض و طول شهرها، انحراف قمر، عرض شش کوكب سیار و دور آن ها، چگونگی مسیر ستارگان در هر روز، مسیر خورشید، مسیر اوج قمر، مسیر زحل، مسیر مشتری، مسیر مریخ، مسیر زهره، مسیر عطارد، مسیر قلب اسد و ... (54)

در بخش پایانی تاریخ یونان و روم، مولف به بیان اندیشه دینی، فلسفی و مذهبی یونان چون سوفسطائیان و دهر یون پرداخته و بحثی را نیز به مذهب نصرانیان و ملوک نصرانی روم و اختلافات مذهبی و دینی فرق مختلف نصرانی اختصاص داده است. (55)

اندیشه های مذهبی و کیش های یونانیان و رومیان در تاریخ یعقوبی

1- پیروان صابنیان و حنفا، که معتقدان به هرمس عابیدیمون و اورانی هستند، خداوند را علت علت ها دانسته که جهان را به يك باره آفریده است و معتقد بوده اند که ادراك و تعقل خداوند دشوار و وصف آن غیر ممکن می باشد. (56)

2- سوفسطائیان یا پیروان زنون، که اهل تناقض گوئی و مغالطه اند و معتقدند که گفتار های مردم اتفاق پذیر نیست؛ نه علتی وجود دارد و نه معلولی؛ هیچ راهی برای رسیدن به علم و رسیدن به حقیقت وجود ندارد.

3- دهریه، که معتقدند انسان همواره بوده و همیشه خواهد بود؛ آغاز و انجامی بر جهان متصور نیست؛ حدوث و قد می وجود ندارد و ایجاد و فناپی در کار نیست؛ نیک و بد و معاد و حساب و کتاب و پروردگار و دین و رسالت و برانگیختنی وجود نداشته و روزگار آغاز و انجامی ندارد. (57)

یعقوبی پس از معرفی این سه گروه، مباحثی را به بنیادها و اندیشه های طوائف و گروه های دیگری از مذاهب و متکلمان و فیلسوفان و حکمای صاحب نظر یونانی چون اصحاب اصول چهارگانه که بنیاد همه چیز را در عالم حرارت و برودت و رطوبت و بیوست می دانند و اصحاب جوهر یعنی پیروان ارسطو که هر چیز را به دو قسم جوهر و عرض تقسیم می کنند و سایر گروه های دیگر که در یونان بوده اند، اختصاص داده است. (58)

## فهرست آثار علمی و فکری ایرانیان در تاریخ یعقوبی و مشاکله الناس

یعقوبی در ((مشاکله الناس لزمانهم)) از نقش علمای ایرانی در آغاز خلافت بنی عباس در ترجمه آثار ایرانی و هندی و هم چنین، از ابن مقفع که آثاری از کتب مانوی و ابن دیصان را به زبان عربی ترجمه کرده است یاد می کند، ولی متأسفانه نام این آثار را ذکر نکرده و به طور مفصل به آن ها نپرداخته است. (59) ولی در کتاب تاریخ عمومی، مبنای اندیشه ای، اصول و آئین او را مورد بحث قرار داده و آثار او را متذکر شده است، که از آن جمله است: (60)

1- کنزالاحیاء، درباره آن چه از نجات نوری و تباهی ظلمانی در نفس که کارهای پست آن را به ظلمت نسبت می دهد، می باشد.

2- شاپورقان، که در آن از نفس خالصه و نفس آمیخته با شیاطین و بیماریها و فلك مسطح و دانش صحبت می کند.

3- کتاب الهدی و التدبیر که درباره نماز و آن چه در خلاصی روح موثر است، می باشد.

4- کتاب سفرالاسرار که در آن بر آیات پیامبران طعن می زند.

5- کتاب سفر الجبابره.

یعقوبی غیر از اشاراتی که درباره ابن مقفع و مانوی داشته است، به دیگر اندیشمندان ایرانی نپرداخته و ذکری از آن ها به میان نیاورده است. تنها در پایان باب مربوط به تاریخ ایران، مطالبی درباره آیین زردشتی و اصول و عادات و شعائر آن و امور دیوانی و اداری و عنوان ها و القاب سیاسی اداری ساسانیان، بیان نموده است. (61) اما بازنگارنده اذعان دارد که پاسخ قانع کننده ای برای این پرسش که چرا یعقوبی در توجه به فرهنگ ها کم ترین عنایت را به فرهنگ ایرانی داشته است پیدا نکرد.

## منابع:

- آئینه وند، صادق: علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

- ابن اثیر، عزالدین: الكامل فی التاريخ، المجلد السادس، دارصادر، داربیروت، بیروت - لبنان: 1358ه/1965م.

- اصفهانی، ابوالفرج: مقاتل الطالبین، شرح و تحقیق سیداحمد صقر، (بیروت - لبنان، منشورات موسسه الاعلمی.

- جعفریان، رسول: منابع تاریخ اسلام، قم: نشر انصاریان، 1376.

- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله بن: المسالك و الممالك، ترجمه سعید خاكر ند، تهران: مابسه فرهنگی حنفا نشر میراث ملل، 1371، مقدمه درباره مولف.

- دینوری، ابوحنیفه: اخبار الطوال، ترجمه مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، 1368.
- روزنتال، فرانتس: تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، آستان قدس، 1366.
- زرین کوب، عبدالحسین: کارنامه اسلام، نشر امیر کبیر، 1369.
- محمدبن جریرطبری: تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر، 1363.
- متز، آدام: تمدن اسلامی در قرن چهارم، ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگوزلو، تهران: امیرکبیر، 1364.
- مسعودی، علی بن حسین: مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر علمی و فرهنگی، سال 1370.
- نفیس، احمد: خدمات مسلمین به جغرافیا، ترجمه حسن لاهوتی، نشر آستان قدس، 1374.
- یعقوبی، ابن واضح البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 2536).
- یعقوبی، ابن واضح مشاکله الناس لزمانهم، تحقیق ویلیام ملورد، دارالکتاب الحدید، بیروت - لبنان: 1962، عبدالله عبدالغنی، معجم المورخین المسلمین.

### پی نوشت ها:

- الف. عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع).
- ب. خواننده محترم توجه دارند که ((تشیع)) خود مفهومی تاریخی است و در اعصار مختلف متغیر بوده و دایره شمول آن گاه منقبض و زمانی منبسط می شده است. آن چه در باب شیعی گری یعقوبی آمده است با توجه به این نکته مهم و حساس می باشد.
- ج. نیاز به توضیح ندارد که ((تاریخ جهانی)) به طور کامل با ((تاریخ عمومی)) تفاوت داشته و نباید با هم خلط شده و به یک معنا به کار روند.
- هـ. ناگفته نماند که مولف در بخش دوم تاریخ عمومی خود که اختصاص به تاریخ اسلام دارد این شیوه را به کار برده است. و. ضرب المثل ((الناس علی دین ملوکهم)) هم می تواند موید این مطلب باشد.
1. ابن واضح یعقوبی، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 2536) ص 5، 11، 12، 13 و 18، 19.
  2. ر.ک: البلدان، پیشین، ص 264.
  3. البلدان، پیشین، ص 54.
  4. البلدان، پیشین، ص 154-155.
  5. همان، ص 18.
  6. همان، ص 5.
  7. تاریخ یعقوبی، ترجمه، محمدابراهیم آیتی (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1366) ج 2، ص 362-363.
  8. همان، ص 395.
  9. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، شرح و تحقیق سیداحمد صقر، (بیروت - لبنان، منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات، 1419ه<sup>ق</sup>) ص 406-407؛ محمدبن جریر طبری تاریخ طبری، ج 12، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر، 1363، ص 5182-5183؛ عزالدین ابن اثیر، الکافی فی التاریخ، المجلد السادس، دارصادر، داریروت، بیروت - لبنان: 1385ه<sup>ق</sup> / 1965م، ص 92-93.
  10. تاریخ یعقوبی، ج 2، همان، ص 407.
  11. برای اطلاع بیش تر از عنوان ها و القابی که به این مورخ داده شده ر.ک: مقدمه محمدابراهیم آیتی بر کتاب البلدان، ص 13-10.
  12. ر.ک: البلدان، پیشین، ص 264.
  13. البلدان، پیشین، ص 54.
  14. البلدان، پیشین، ص 1.
  15. رسول جعفریان، منابع تاریخ اسلام، قم: نشر انصاریان، 1376، ص 154-155.
  16. ر.ک: مقدمه محمدابراهیم آیتی بر کتاب تاریخ یعقوبی، ص 21.
  17. علی بن حسین مسعودی: مروج الذهب و معادن جوهر، ج 1، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر علمی و فرهنگی، سال 1370، ص 33.
  18. البلدان، پیشین، ص 154-155.
  19. ابن واضح یعقوبی، مشاکله الناس لزمانهم، تحقیق ویلیام ملورد، دارالکتاب الحدید، بیروت - لبنان: 1962، ص 35 و نیز ر.ک: عبدالله عبدالغنی، معجم المورخین المسلمین، ص 191-192.
  20. محمدبن جریرطبری، پیشین، ص 5182-5183.
  21. عزیزالدین بن اثیر، پیشین، ص 93.
  22. ر.ک: تاریخ یعقوبی، پیشین، ج 2، ذکر حدیث غدیر و حدیث ثقلین، ص 502-509.
  23. البلدان، پیشین، ص 12.
  24. آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم، ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگوزلو، تهران: امیرکبیر، 1364، ص 313.
  25. فرانتس روزنتال، تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ج 1، ترجمه اسدالله آزاد، آستان قدس، 1366، ص 126.
  26. احمد نفیس، خدمات مسلمین به جغرافیا، ترجمه حسن لاهوتی، نشر آستان قدس، 1374، ص 30-31.
  27. ر.ک: عبدالله بن عبدالله بن خردادبه، المسالك و الممالک، ترجمه سعید خاکرند، تهران: موسسه فرهنگی حنفیاً نشر

- میراث ملل, 1371, مقدمه درباره م ولف.  
 28. احمد نفیس, ص 33.  
 29. البلدان, پیشین, ص 3-1.  
 30. عبدالله عبدالغنی, پیشین, ص 190.  
 31. البلدان, صفحات مختلف و نیز ر.ک: عبدالحسین زرین کوب, کارنامه اسلام, نشر امیر کبیر, 1369, ص 77.  
 32. درباره دینوری ر.ک: ابوحنیفه دینوری, اخبار الطوال, ترجمه مهدوی دامغانی, تهران: نشر نی, 1368.  
 33. در این باره ر.ک: یعقوبی, تاریخ یعقوبی, ج 2, ص 357-358 و توضیحات مترجم محمدابراهیم آپتی در پاورقی.  
 34. صادق آینه وند, علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی, مجلد 1, تهران: پژوهشگاه, علوم انسانی و مطالعات فرهنگی, 1377, ص 138.  
 35. مشاکله الناس لزمانهم, ص 23.  
 36. همان, ص 28-25.  
 37. فراتس روزنتال, پیشین, ص 126-127.  
 38. تاریخ یعقوبی, ص 102-1.  
 39. تاریخ یعقوبی, ص 103-116.  
 40. تاریخ یعقوبی, ص 117-193.  
 41. همان, ص 193-220.  
 42. همان, ص 116-120.  
 43. البلدان, ص 3-2.  
 44. تاریخ یعقوبی, ص 365.  
 45. همان جا.  
 46. تاریخ یعقوبی, ج 1, ص 102-103.  
 47. تاریخ یعقوبی, ج 1, ص 103.  
 48. همان.  
 49. تاریخ یعقوبی, ج 1, ص 106.  
 50. تاریخ یعقوبی, ج 1, ص 107.  
 51. همان, ص 107-110.  
 52. همان, ج 1, ص 115.  
 53. همان, ج 1, ص 102-116.  
 54. همان, ج 1, ص 116-140.  
 55. در این زمینه به طور مشروح ر.ک: تاریخ یعقوبی, ج 1, ص 116-174.  
 56. تاریخ یعقوبی, ج 1, ص 117-126.  
 57. همان, ص 126-129.  
 58. همان, ص 129-131.  
 59. همان, ص 131-137.  
 60. همان, ص 139.  
 61. همان, ج 1, ص 141-142.  
 62. همان, ج 1, ص 140-142.  
 63. همان, ج 1, ص 143-145.  
 64. همان, ج 1, ص 145-147.  
 65. همان, ص 149-154.  
 66. همان, ج 1, ص 153-154.  
 67. برای شرح و تفصیل این آثار در کتاب تاریخ یعقوبی ر.ک: ج 1, ص 154-162.  
 68. همان, ج 1, ص 161-174.  
 69. همان, ص 186-192.  
 70. همان, ص 180-181.  
 71. همان, ص 182-183.  
 72. همان, ص 183-185.  
 73. مشاکله الناس لزمانهم, ص 24.  
 74. تاریخ یعقوبی, ج 1, ص 195-196.  
 75. همان, ص 216-220.